وضعیت مدیریت تولید علم در حوزه علوم اسلامی

دکتر حسین خنیفر

طلیعه:

دنیای امروز را دنیای روشمندی می دانند و از سال 1995 بر دنیای دانشمندی(2)خط بطلان کشیده شده، از این رو ادعا می شود که مرزهای نوین دنیای جدید را تولیدات دانش روشمند تعیین می کند و نه صرفا دانش متراکم و متزاید. به همین خاطر نهضت تولید علم در دنیا به راه افتاده است و ملت هایی را موفق در این راه می دانند که در هر حوزه کاری آکادمیک و غیر آکادمی خود سهمی در این مقوله داشته باشند، به تعبیری این امر در تمام حیطه ها و رشته های علمی ساری و جاری است و طی دهه اخیر نیز بالاخص در حوزه علوم دینی و با شروع دنیای مجازی و قوت گرفتن مولفه ای جدید دنیای پست مدرن(3)و حتی پسامدرن یعنی هفت مولفه:

اطلاعات، ارتباطات، امواج، قدرت، سرعت، فرصت، ثروت

در این مسأله جریان دارد. و از طرفی در دنیای انفجارات سه گانه ـ جمعیت، ارتباطات، اطلاعات ـ انتظار، بیشتر مورد عنایت و توجه قرار گرفته است. مضافا؛ گردش های متواتر و متصاعدی به امر دین و دین باوری در سراسر عالم، بالاخص در پایان هزاره دوم که آن را پایان هزاره اضطراب و در آغاز هزاره سوم که آن را آغاز هزاره افسردگی می نامند، در ضروری جلوه دادن تولید کارآمد علم و اندیشه در حوزه دین، تکلیف همگان را روشن کرده است.

امروز از شاخصه های عمده در تولید علم، حضور در عرصه های فرا ملی و بین المللی است که عمدتا در مجلات معتبر ISI و در همایش ها و سمینارها و سمپوزیوم های بین المللی(4)است. امروز خط کشی های جدید علمی، دینی، مذهبی، دانشگاهی و تکنولوژی (فن آوری) به ما می گوید: ملتی که در عرصه های مختلف حرفی برای گفتن نداشته باشد جایی برای عرض اندام هم ندارد. حیات ارزانی ملت های پیشرو است و این امر حتی در حوزه دینی و «تولید علم»، قابل عنایت و توجه است.

سیاست گزاری در آغاز

امر تولید علم نیازمند سیاست گذاری جدی و فوری است. این نیاز از آنجا ضرورت می یابد که در حوزه علوم اسلامی می توان کاستی ها و ضعف های جدی را به روشنی مشاهده کرد. همانند:

الف: تکثر فعالیت ها بدون جهت دهی مشخص

ب: تولید انبوه ولی توده ای و هدایت نشده در عرصه های مختلف دانش

ج: جزیره ای بودن مقوله «تولید علم»

د: ضعف بنیادین پژوهشی

ه: گرایش به سمت تألیف صرف

و: فقدان روش ها و مدل های تحلیلی کارآمد در تولید علم Analysis Models

ز: عدم توجه به روش های تطبیقی در تولید دانش comprative methodeدر حوزه اغلب پژوهش ها

ح: عدم تدقیق در واژه شناسی مقوله عالم و دانشمند خصوصا در حوزه علوم دینی

و صد البته دهها نکته دیگر که جهت دهی بهینه و کارآمد پژوهش و تولید علم را با مشکل مواجه نموده است و برای بررسی ژرفانگر آن خصوصا سیاست گزاری منطقی و برنامه ریزی و مدیریت بلند مدت تولید علم و پژوهش در حوزه علوم اسلامی مقدم تر از همه چیز انجام یک پژوهش زمینه یابی و وضعیت سنجی با عنایت به تولیدات در دامنه زمانی مشخص Range Time ضرورت تام و تمام دارد، چرا که امروز بهترین و مطئمن ترین راه برای تصمیم گیری، پژوهش است و حتی صدور یک رأی در دنیای جدید، از زاویه پژوهش و کاوش را دارای جواز می دانند و شاید شعار جالب توجه امسال که به سال (پژوهش) معروف است قابل عنایت است که:

بدون پژوهش، تصمیم گیری نکنیم.(5)

واژه کاوی

بر خلاف آنچه در ظاهر به نظر می آید، علم با دانش و عالم با دانشمند مترادف نیست، هر چهار واژه قدمتی بیش از یکهزار سال دارند. و این واقعیتی است که بدانی واژه Scientist در انگلیسی تنها حدود 150 سال است که وارد زبان شده است.(6)

به نظر می رسد که واژه های علم و دانش در قرن های نخست هجری مترادف یکدیگر بوده اند، همین طور عالم و دانشمند، اما حدود هزار و چهارصد سال تحول، این واژه ها را از یکدیگر متمایز کرده است، گرچه تمایزها خیلی صریح نیست. برای ما ابوریحان بیرونی دانشمند است نه عالم، اما غزالی و مجلسی عالم هستند نه دانشمند، دست کم بیشتر عالم اند تا دانشمند، به این معنی که اگر بخواهیم امروز لقبی به این بزرگان بدهیم، این لقب بیشتر عالم خواهد بود تا دانشمند.

از مدرسان حوزه معمولاً به عنوان علما یاد می کنیم نه دانشمندان. فرهنگ معین عالم را به معنای داننده و دانا می داند و نیز کسی که خدای تعالی الوهیت خود را به شهود او رسانده ولی احوال بر او ظاهر نشده است. این تعریف ظاهرا در مقابل عارف است نه نادان sceince Scientist, . لفظ sceince کاملاً بر علم تطبیق ندارد و امروز معمول است که آن را به علم ترجمه می کنند و ترجمه ترکیب هایی همچون Earth sceince , Human sceincبه علوم رایج شده است. به نظر می رسد به این ترتیب واژه علم در آینده بر همان مفهومی اطلاق می شود که Sceinc در انگلیسی بر آن اطلاق شود.

تجربه فرهنگی ما ایرانیان متفاوت بود. زیرا در کشور ما حتی قبل از اسلام دانشمندان و کلمه دانشمند مقبول، مشهور و معمول بود و همواره دانشمندان مورد توجه مردم و حاکمان بوده اند و نسبت آنها با حاکمان و مردم نسبت دیگری بوده است.

در اروپای قرن 19 واژه ای به نام علم پدید آمد و این برآمدن حرفه، بدون دردسر نبوده است. عمده مخالفان این حرفه پدران کلیسا بوده اند این حرفه جدید که نتیجه مجاهدت های چهارصد ساله دانشمندان غربی است، مدعی حجیتی در جامعه بود که قبلاً فقط دربست در اختیار کلیسا بود. به همین دلیل سر برآوردن این حرفه با یک جنگ قدرت همراه بود.

مذهب در اروپا مدعی اموری بود که علم جدید در مورد آن نظر داشت. کیهان شناخت، به معنای عام آن یا بینش انسان در خلقت و پیدایش آسمان ها و افلاک، به زبان آن روز، در اختیار کلیسا بود و این اتفاقی است که در دنیای اسلام نیفتاده و هیچ گاه دین اسلام و حوزه های دینی مدعی در اختیار داشتن دربستِ دانش و معلومات نشدند. در غرب با این رویکرد دانشمندان را برانگیختند و به مرور آن را از کف اختیار کلیسا بیرون کشیدند و یکی از امور مورد اختلاف جامعه و کلیسا، که منجر به سکولاریزاسیون شد، همین اختلاف علم و دین بود.

اسلام و دنیای تولید علم

خوشبختانه در مسیر تولید علم و دانش، جامعه مسلمین شاهد این روند نبوده و در موارد بسیار قابل استناد حوزه دانش دین، راهگشای علم بوده و هست و چه بسا در بسیاری موارد دوشادوش هم حرکت کرده اند.

لذا وجه یاد شده، درست آن وجهی است که در اسلام هیچ گاه، مورد دعوی نبوده است، نظام سلسله مراتبی در جامعه اروپایی بسیار درهم تنیده بوده است و در این خصوص نقش اساسی داشته است. نظام سلسله مراتبی کلیسا به سختی از ادعای خود بر علوم دفاع می کرد و دانشمندان که تا اواسط قرن نوزدهم غیر حرفه ای به حساب می آمدند، برای مقابله با این سلسله مراتب می بایستی نظامی قابل مقایسه ایجاد می کردند. این چنین شد که دانشمندان حرفه ای شدند و بعد از آن نیز دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی به سبک امروز ایجاد شدند.

تولد حرفه دانشگری

به این ترتیب حرفه دانشگری و تولید علم در قرن نوزدهم پدید آمد. این حرفه برای اینکه بتواند نقش کلیسا را در جامعه به عهده بگیرد یا نقشی مشابه آن به دست آورد، می بایست خود را هر چه بهتر و مقبول تر تعریف بکند و منافعش را برای جامعه نشان بدهد.

انقلاب صنعتی اروپا و نقش پیشگویی کننده علم همراه با رفع نیازهای صنعتی، به این امر کمک کردند. جامعه علمی، یعنی مجموعه دانشگران، که همواره سخت در تلاش برای حل معماهای جدید و پاسخ به سئوال های جدید در علم بود که، نظام ارزیابی درونی خود را آفرید. به این ترتیب علم جدید تبدیل به یک حرفه شده است لذا علم یک فرآیند است همراه با روش و نتایج، نتیجه علم تنها دانش و قانون های علمی نیست. بلکه روش نیز هست. از طرفی، تغییر یا تصحیح این روش علمی هم به عهده دانشگران است و در فرآیند علمی انجام می پذیرد.

اتحاد آموزش و پژوهش

اتفاق دیگری که در اواسط قرن نوزدهم از آن نام برده می شود اتحاد بین آموزش و پژوهش است که هنوز در بسیاری از کشورهای فعلی هم اتفاق نیفتاده است و توسط هومبولت در آلمان باب شد. و مراکز تحقیقاتی آکادمیک را ایجاد کرد. در قرن های هفدهم و هیجدهم با وجود کارهای علمی مهم، کمتر شغل علمی با حقوق مستمر وجود داشت. اما از ابتدای قرن نوزدهم، در واقع، ابتدا در فرانسه و سپس در آلمان این مشاغل ایجاد شد و هر مدلی که در یک کشور پدید می آمد، کشورهای دیگر آن را تقلید می کردند.

دوران حیرت نگری

جامعه ما در مجموع در دوران بهت و خودیافت، نتوانست به خوبی از این ساز و کارهای درونی حرفه دانشگری استفاده کند و به قول بعضی تحلیل گران جریان متأثر کننده اینکه طی 2 قرن اخیر خواب های طولانی داشته ایم و حتی صاحب ذوقی گفت: از دوره مادها تا دوره پهلوی دوم کشور ما 446 پادشاه را از سر گذراند و دوره های شکوفایی خود را مدیون فرصت هایی است که بینابین ظهور و سقوط ها طی نمود.

از طرفی در ابعاد مختلف تنها به معنای مجموعه اطلاعات کسب شده در فرآیند علم، آن هم به طور سطحی، توجه گردید. و کمتر به (تولید علم) پرداخته شد همان طوری که اشاره شد اگر زمانی فارابی فلسفه التقاطی یونان را بومی کرد و آن را تنقیح کرد و دست به تولید علم زد و افتخار آن را تا ابد از آن خود کرد، در زمان حاضر چند دانشمند ایرانی مثل دکتر دستجردی که خود تحصیل کرده غرب است توانایی نگریستن نو به فلسفه مدرنیته و پسامدرنیسم است که مقالات و تولیدات علمی اش توسط اقطاب فیلسوفان معاصر مورد عنایت و توجه قرار می گیرد.

جامعه ما و علم نوین (تولید گری)

کشور ما شاید به لحاظ جمعیت، نیازها و توقعات مردم و امکانات رفاهی و امکانات بهداشتی و آموزشی کما بیش پا در مرحله مدرنیته و لعاب های آن گذاشته است. یعنی به لحاظ این عوامل و عناصر با جامعه ای پیش صنعتی یا کشاورزی و ایلی قابل مقایسه نیست اما به لحاظ تفکر، مدیریت و تولید دانشگری در تمام حوزه ها از آکادمیک تا حوزه های سنتی به طور کامل به دوره دانشگری راه نیافته است.

قانون شاخص ها

در دنیای امروز قانون شاخص ها در همه امور مطرح است یعنی مجموعه ای از شاخص های مختلف وجود دارد که بایستی همواره در حال رشد باشد در غیر این صورت رکود و ایستایی در انتظار جامعه خواهد بود.

قانون شاخص های فراگیر ما را متوجه جنبه های گوناگون فعالیت های جامعه می کند. مجموعه این فعالیت ها را می توان سنجش پذیر کرد و برای هر یک پارامتر یا شاخصی تعریف کرد.

شاید یکی از معقول ترین جنبه های موجود در حوزه علوم دینی عدم شاخص سازی یا شاخص یابی یا شاخص آفرینی در مجموعه تولیدات علمی است و همچنین عدم برنامه ریزی برای رشد این شاخص ها.

توجه به این شاخص نشان خواهد داد که رشد و پویایی یک جامعه امری نیست که بتوان با شعار آن را محقق کرد بلکه عزم ملی و برنامه ریزی می طلبد.

سیاست گزاری در سطوح مختلف

از اهم وظایفی که مقوله تولید علم و پژوهش روشمند در حوزه علوم اسلامی بدان نیازمند است، رویکرد سیاست گزارانه در سطوح کلان، میانه و خرد است.

امروز در این مبحث و از بعد زمانی نیاز به سیاست گزاری های؛ کوتاه مدت تا 3 سال، میان مدت تا 5 سال و بلند مدت تا 100 سال است.

مقوله سیاست گزاری کارآمد و بهینه در همه امور، مورد امعان نظر است. سیاست گزاری روشمند در ابتدای عصر روشنگری یک جامعه مترتب بر اهداف است و از مقوله های مهم اهداف بحث زمان است.

امروز هر مسافر کشور مالزی شاهد است که جمله معروف ماهاتیر محمد در جای جای این کشور خودنمایی می کند با عزم ملی به سوی سال 2020(7)این نوعی سیاست گزاری و جرأت ورزی می خواهد حال اینکه ما هنوز می خوانیم، می گوییم و می نویسیم، چو فردا شود فکر فردا کنیم.

سیاست گزاری در عصر فن آوری

سیاست گزاری در امر مهمی مانند: تولید علم و پژوهش نظام مند، مسامحه پذیر نیست خصوصاً در زمان حاضر که ضرورت تام دارد. فرمان حضرت امام علی علیه السلام به مالک اشتر در این زمینه قابل اعتناست که می فرماید:

بپرهیز از مسامحه درباره اموری که ضرورت انجام دادن آنها آشکار است.(8)

بنابراین، امروز نباید درباره امور مهمی مثل جایگاه و پایگاه تولید علم و فن آوری اطلاعات، که عالم گیر شده است، مسامحه کنیم، بلکه باید به طور جدی به آن بپردازیم. همچنین آن حضرت فرمود:

هر کاری را در موقع خود انجام بده.

پس اگر در زمانی که نیاز هست، عمل نکنیم، همیشه مصرف کننده باقی خواهیم ماند و شاید مشکل اساسی ما، نداشتن چشم انداز Vison است؛ یعنی نمی دانیم به کجا می رویم. ممکن است همه ما به جاهای خوب برویم، ولی مجموعه حرکت های ما مثل جوی های باریک آب نیست که یک رودخانه بسازد. باید بدانیم در کجای جهان ایستاده ایم و به کدام سو می رویم؛ جهانی که سالانه 86 میلیون نفر به جمعیت آن افزوده می شود. اقتصاد دنیوی، سرمایه و پول، در حال از بین رفتن است و اقتصاد دانش محور جایگزین آن می شود.

دنیای اطلاعات و ارتباطات و دانش امروز امواجی از سر گذرانده و هر کس به آنها بی اعتنا بوده تماشاگر باقی مانده است.

امواج دنیا

نخستین موجی که آدمیان را دربرگرفت، موج کشاورزی و دانش آن بود. بعد از مدتی، کشاورزان احساس کردند به ابزارهایی نیاز دارند تا بتوانند به تولید خود، با کمیت و کیفیتی، بهتر ادامه دهند. همین مسئله، زمینه ای به وجود آورد که بشر وارد موج دومشد و عصر صنعت شکل گرفت. در سال 1900، جمعیت جهان 5/1 میلیارد نفر بود، و در سال 2000، شش میلیارد؛ یعنی در طول صد سال، جمعیت جهان چهار برابر شد.

موج سوم، موج اطلاعات است؛ یعنی بشری که فکر می کرد غذایش به طور نسبی تأمین است و صنعت هم دارد، مجبور شد به سمت اطلاعات برود. از همین جا، جامعه اطلاعات به وجود آمد. IT و اینترنت نیز بر اساس نیاز بشر به جابه جایی این اطلاعات، پدیدار شدند. اکنون ما در عصر اطلاعات هستیم. کشور ایران در مرحله صنعتی شدن است و هنوز وارد جامعه اطلاعات نشده است. از مولفه های اصلی عصر اطلاعات «تولید علم» است و تولید علم نیز در بعضی از کشورها، مثل کره جنوبی، یعنی تلاش کردن جهت ورود به جامعه اطلاعات. چهارمین موج، عصر مجازی است. از مولفه های مهم عصر مجازی توسعه است، وقتی وارد عصر مجازی می شویم، مثلاً در منزل یک روحانی احتیاج داریم ما را موعظه کند. این امکان وجود دارد که روی صندلی بنشینیم و یک برادر روحانی را در منزل خودمان حاضر کنیم. وقتی کلاه حقیقت مجازی را روی سر گذاشته ایم، می توانیم با هم به گفتگو بنشینیم. البته اگر آن کلاه را برداریم، دیگر آن روحانی را نمی بینیم.

دنیای فاصله ها

بعضی متخصصان مانند دکتر جلالی ـ نماینده ایران در یونسکو ـ معتقدند: ما دو دهه دیگر با دنیای مجازی فاصله داریم؛ به طوری که حرکت ما از این کشور به آن کشور، به صورت مجازی انجام می شود. فرصت تبلیغ نیز برای دین ما، فراهم می آید. ما می توانیم با حج مجازی، افراد را به درستی و دقیق آموزش دهیم، تا وقتی به مکه مشرف شدند، اعمالشان را راحت و صحیح انجام دهند.

موضع گیری ها

نباید در مقابل فناوری موضع گیری کنیم. البته درباره استفاده نادرست از آنها می توانیم موضع بگیریم. مثلاً می توانیم بگوییم اینترنت فساد هم دارد و باید جلوی آن را گرفت؛ ولی نمی توانیم بگوییم اینترنت خطرناک است. این طرز فکر، ما را عقب نگه می دارد. و از دانش ها و اطلاعات فراوان دور می سازد. کشورهای توسعه یافته، بیشتر اقتصادشان از روی فیلم و اینترنت است. از این رو، اقتصاد در حال مجازی شدن است. ما باید در حرکت های دینی خود برنامه داشته باشیم. هنگامی که جوانان دسته دسته جذب زمینه های مختلف می شوند و ما می خواهیم با همان روش های قدیم آنان را جلو ببریم!!

در صورتی که امروز دیگر دنیا کتاب باز است باید بگویی من با این معلومات آمده ام دانشجو بگیرم و با آنان مباحثه کنم. چند دهه پیش نیز میجی در ژاپن خطاب به جوانان گفت:

ای جوانان ژاپن دنیا کتاب باز است بروید، بخوانید، بیاموزید، بجویید برگردید، بسازید و در ژاپن بمانید.(9)

متأسفانه ما سومین کشور جهان هستیم که بچه های ما از طریق چت، با هم ارتباط نامطلوب برقرار می کنند البته همین فضا آماده است که شما بتوانید کار مثبت انجام دهید. لازمه و پیش نیاز استفاده از این فضا، بهره گیری از فن آوری و دانش افزایی های لازم در ITاست.

IT دو تعریف دارد:

1 ـ مجموعه فن آوری ها و ابزارهایی که انستیتو یا حوزه دینی را پشتیبانی می کند تا به هدف و چشم انداز خود برسد.

2 ـ فن آوری هایی که برای تولید، ذخیره سازی و جا به جایی اطلاعات در فرم های مختلف به کار می رود.

انسان اگر خیلی بکوشد، کتاب کاغذی را به دو نفر می دهد. اما وقتی آن را دیجیتالی می کند، به شش میلیارد نفر خواهد رساند؛ یعنی کتاب را نه برای ایرانیان، بلکه برای شش میلیارد نفر آماده می کند حالا اینجا یک چیز کم است؛ و آن، مدیریت رساندن این کتاب به شش میلیارد نفر است. پیشنهاد آقای دکتر جلالی بسیار جالب است ایشان می گویند:

برای هر طلبه یک وب سایت باید درست کرد. روز اولی که طلبه می آید در حوزه علمیه، بگویی باید وب سایت داشته باشد، یعنی صفحه ای در اینترنت یا شبکه که او را معرفی کند.

دکتر جلالی تأکید می کند:

تولید علم و IT ابزار نجات انقلاب و ابزار حفظ نظام و ارزشهای دینی است و من ITرا نعمت خدا می دانم. کسی که این را اسراف می کند و از آن بهره نمی برد، صد برابر بدتر از کسی است که اطراف نان را دور می ریزد. اگر حوزه های دینی ما بتواند برای طلبه ما یک Homepage بگذارند، وقتی طلبه ای برای تبلیغ به روستایی رفت و به مطلبی نیاز داشت، از آنجا با خط تلفن وصل می شود به سایت خودش و می رود آن اطلاعات را بر می دارد و در همان روستا از آنها استفاده می کند.

تمهیدات اساسی:

از جمله موارد مهم تولید علم در بحث خرد می توان در حوزه علوم دین به موارد ذیل اشاره کرد:

1 ـ تمهید و طراحی دوره های کارگاهی پژوهش و تحلیل محتوا

2 ـ ترویج فرهنگ پژوهش به جای انبوه سازی

3 ـ ایجاد دپارتمان های تحقیقات علوم اسلامی محصول گرا و نتیجه بخش در حوزه

4 ـ ترغیب اساتید به فاصله گرفتن از تحشیه نویسی افراطی و گرایش به سمت کارهای تطبیقی و نیازهای عصری و نسلی.

5 ـ استاندارد کردن آموزش و پژوهش در حوزه

6 ـ آسیب شناسی ابزاری، رفتاری، عملکردی و دانشی در خصوص تولیدات علمی حوزه

7 ـ آسیب شناسی اطلاع رسانی و ارایه راهکارهای کارآمد

8 ـ تغییر رویه های نامطلوب یا معیوب در ترویج تولیدات علمی ناکارآمد

9 ـ شناسایی، ترویج و تحکیم الگوهای مطلوب تولیدات علمی

10 ـ ایجاد زمینه های رقابتی در تولیدات علمی حوزوی و دانشگاهی

11 ـ تهیه بروشورهای علمی ـ کاربردی جهت تولیدات علمی

12 ـ تهیه خبرنامه علمی ـ کاربردی در ترویج فرهنگ تولید علمی

13 ـ تهیه خبرنامه علمی ـ اطلاع رسانی در زمینه وضعیت تولیدات علمی در سطح کشور و دنیا

14 ـ تشکیل تیم های اندیشه گان جهت بررسی وضع مسبوق و ترسیم وضع موجود جهت وصول به وضع مطلوب تا مرحله وضع موعود

15 ـ مقدمات ایجاد بنیاد پژوهش های علوم اسلامی در حوزه با رویکرد به مسایل جدید

16 ـ ترغیب و استفاده صحیح و کارآمد از IT و ICT

17 ـ ایجاد زمینه جهت تبادل اطلاعات با مراکز دانشگاهی

18 ـ ایجاد زمینه جهت راه اندازی همایش های مشترک حوزه و دانشگاه در موضوعات:

تخصصی، روز، ملی، بین المللی، بین المذاهب، IT و ICT و....

19 ـ ترویج پژوهش های بنیادی کاربردی ـ توسعه ای

20 ـ راه اندازهای همایش ثابت سالیانه تحت عنوان همایش یافته های تولید علم در حوزه

برنامه ها

1 ـ همایش آسیب شناسی (حوزه و دانشگاه) در خصوص تولیدات علمی حوزه با چشم اندازهای؛ فرصت ها، تهدیدها، چشم اندازها، تاریخچه، آینده، انتظارات، غفلت ها، تحولات، واقعیات و ...

2 ـ ایجاد یک مرکز مجازی Viritual Center طرح و برنامه جامع در خصوص اطلاع رسانی در حوزه در زمینه تولیدات علمی

3 ـ راه اندازی سایت جامع تولیدات علمی

4 ـ راه اندازی تورهای (تحقیقاتی ـ علمی ـ کاربردی) برای بررسی ابعاد تولید علم رقبا در سطح آمایش بین المللی

5 ـ همایش ملی (بررسی محتوای آموزشی حوزه، آسیب ها و راهکارها) جهت بسترسازی تولیدات علمی

6 ـ به قدرت رساندن توانمندان حوزوی جهت تولیدات علمی به روز Up to dateاز جهت 4 مولفه:

تامین، تضمین، تجهیز و ترغیب

در ختم سخن و مقال شاید بتوانم این مساله را عنوان کنم که تنها طرح مساله کردم و این موضوع مهم و حیاتی نیاز به ژرفاکاوی و دقت بیشتر دارد، آن هم در حوزه علوم دینی که امری نهادینه و بنیادین است و اغلب یافته ها، داشته ها و انباشته های آن فرازین. و این مهم را به وقت دیگری وا می گذاریم تا با مجال بیشتر حق سخن ظریف تر حاصل آید. ولیکن حاصل این نوشته از طلیعه تا اختتام، بیان این ضرورت و پیام است و آن اینکه مقوله تولید علم و پژوهش در حوزه، نیاز به تجدید نظر جدی و اهتمام وسیع و ژرف دارد و این مهم باز هم به دوش فرهیختگان و اندیشه ورزان حوزه است و لا غیر. گر چه ارباب دانش روشمند و کاوش جایمند، در خارج از حوزه نیز می توانند در همفکری و مساهمه علمی و مساعدت فکری مورد استفاده و مشورت قرار گیرند و به خوبی می توان از دریچه های دانش پژوهی و تحقیق و تدقیق آنها بهره برد. ختم سخن اینکه در دنیای روشمندی که امواج در آن حاکمند و مجاز جاری و ساری است هر گونه پیام رسانی، اطلاع رسانی و حضور در پهنه و صحنه آن مستلزم داشتن حرف نو، علمی، روشمند، مناسب و به روز و با توجه به تعدد، تکثر، تنوع و پیچیدگی نیازهای عصری و نسلی است.

نباید غافل شویم که وضع موجود تولید علم در حوزه وضع مطلوب و کارآمد و جایمند نیست و این به معنای نفی آن نیست بلکه صحه گذاشتن بر این مسئله است که می تواند بهتر و فرازین تر از این باشد اما متاسفانه نیست و همین امر باعث اعتراض اقطاب و استوانه های دین و دانش و پویش و پژوهش خود حوزه، امثال؛ حضرت آیت الله جوادی آملی می شود که می فرماید:

متأسفانه در حال حاضر حوزه علوم اسلامی ما در فاز مصرف افتاد است. انبوهی از تولیدات علمی و کتابهای چاپ شده داریم ولی تحصیل و پژوهش در آن مشهود نیست و بیشتر فیش برداری و تلخیص است تا تدقیق در حالی که فیش برداری و (مونتاژمتون) ترویج فرهنگ مصرف دانش است نه کالبد شکافی آن.

ایشان تصریح می فرمایند:

عزیزان محقق فرهیخته و شایسته و بایسته در این راه باید (به جای زانوی غم گرفتن) قلم به دست بگیرند و روشمند کار کنند (و اینگونه است که می توان با روشمندی و شناخت الگوها و نیازها و خلاءها با روحیه ژرفاکاوی موتورهای خاموش ذهن را به حرکت و تلاطم درآورد و تولید علمِ مفید نمود)

ایشان تصریح می فرمایند:

ما در این قسمت به شدت با فقر مواجهیم.(10)

در این مقاله به سیاست گزاری های آغازین و واژه کاوی عنوان پرداخته ایم و اندکی نیز تاریخ کاوی نموده ایم و به قانون شاخص ها اشاره کردیم و به مقوله عصر حاضر یعنی فناوری اشاره رفت که از برخی فرهیختگان صاحب نظر بهره فراوان بردیم. در نهایت به تمهیدات اساسی، زیر ساخت ها، منابع انسانی و برنامه ها اشاره کردیم؛ باشد تا فرصتی مطلوب تر و غیر مستعجل حق مطلب را ادا کنیم، اگر کریم مستعان یاریگر شود. ان شاءالله.

1 دکترای تخصصی مدیریت آموزشی و مدیر کل دفتر بهبود کیفیت و راهبری استانداردهای وزارت آموزش و پرورش

2. ر.ک. جواد طباطبایی، مصاحبه پرسمان، دفتر نهاد رهبری، سال 1381 .

3. ر.ک. نیل پستمن، زندگی در عیش، مردن در خوشی، جواد طباطبایی، تهران: انتشارات سروش 1378 .

4. ر.ک. رضا منصوری، سخنرانی به مناسبت تجلیل از پژوهشگران برتر سال 1382، تهران، دانشگاه صنعتی شریف، دوشنبه 25 آذر 1382، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.

5. شعار هفته پژوهش آذر 1382 بولتن چهارمین جشنواره بزرگداشت پژوهشگران برگزیده سال دانشگاه ها و مراکز پژوهش و وزارتخانه ها.

(به نقل از ایران 1427) 6- Barry Barnes, About Science, Basil Blackwell, Oxford 1985

7. ر.ک. یعقوب حسین زاده، حیرت نامه شرق آسیا، گزارش سفر به مالزی، آذر 1382، به دعوت سازمان ملی بهره وری 1382 (APO)

8. ر.ک. علی اکبر جلالی، همایش کاربردی IT در حوزه های دین، دو ماهانه پژوهه ویژه اطلاع رسانی پژوهشی مرکز جهانی علوم اسلامی سال اول شماره دوم مهر و آبان 1382 .

9.محمدعلی طوسی، سیاست گزاری در آموزش و نظام های آموزشی، تهران، واحد علوم تحقیقات، دوره دکتری 1378، ص 53.

10. حضرت آیة الله جوادی آملی، خطبه های نماز جمعه قم، مهر 1382 به نقل از روزنامه اعتماد (بی تا)